

# جایگزین مناسب برای حملة حیدر

حمیده بازگیر

دبیر ادبیات دبیرستان‌های خرم‌آباد

## چکیده

در قلمرو ادبی ملت‌ها نوعی شعر وجود دارد که به آن منظومه حماسی می‌گویند. ادب فارسی نیز از دیرباز انواعی از آن را به خود دیده که یکی از معروف‌ترین آن‌ها «حملة حیدری» سروده باذل مشهدی است. ابیاتی از این منظومه در فارسی یازدهم آمده است. انتظار می‌رفت با تغییر کتاب‌ها این شعر به سبب جذاب نبودن موضوع آن و ایرادهای وزنی و زبانی‌اش از مباحث درسی حذف شود.

نگارنده پس از تحلیل ابیات شعر یادشده، بر این باور است که داستان «خدا و انداختن خصم بر روی علی(ع)» از مثنوی مولوی، جایگزین بسیار مناسبی برای این درس است؛ زیرا این شعر علاوه بر تأثیرگذاری و استحکام زبانی، دانش‌آموزان را با نوع دیگری از حماسه - که قهرمان آن انسان کامل است - آشنا می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** حماسه، فارسی یازدهم، حملة حیدری و انسان کامل

در ادبیات ملل، نوعی شعر و داستان شفاهی و مدون وجود دارد که بیانگر عواطف و احساسات ملی و قومی آن‌هاست. به این آثار که معمولاً به نظم سروده شده‌اند، منظومه‌های حماسی می‌گویند. «این نوع شعر که بیشتر به دوران کودکی و ابتدایی عصر تکوین ملت‌ها تعلق دارد... به هیچ‌وجه ساخته و پرداخته ذهن شاعر نیست و در آن عوامل و عناصر فوق طبیعی و غیرعادی نیز به چشم می‌خورد. بنابراین، مسائل دینی

نیز می‌تواند موضوع حماسه قرار گیرد» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۴۷).

ادب فارسی نیز از این ویژگی به دور نبوده و همواره بخش بزرگی از آن به ادبیات حماسی

داستان «خدا و انداختن خصم بر روی علی(ع)» از مثنوی مولوی، جایگزین بسیار مناسبی برای این درس است؛ زیرا این شعر علاوه بر تأثیرگذاری و استحکام زبانی، دانش‌آموزان را با نوع دیگری از حماسه - که قهرمان آن انسان کامل است - آشنا می‌سازد

کتاب معروف‌ترین حماسه پارسی درباره مولاست و چنان فراگیر شد که شغلی به نام «حملة خوانی» تا همین قرن پیش، میان مردم رواج داشت» (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۱: ۶۱). ماجراهای کتاب تا پایان خلافت عثمان را دربر می‌گیرد. اما با مرگ باذل ناتمام می‌ماند.

درس حملة حیدری که در کتاب فارسی پایه یازدهم گنجانده شده است، نگارنده را بر آن داشت که به تحلیل ابیات آن بپردازد و نکاتی را یادآوری کند.

موضوع این درس توصیف صحنه نبرد امام علی(ع) با پهلوان دیگر (عمرو بن عبدود) است؛ به این ترتیب که عمرو به دنبال حریفی است تا با او بجنگد. هیچ‌کس در آن میدان یارای نبرد با عمرو را ندارد. پیامبر(ص) هر بار که به لشکریان نظر می‌اندازد، در می‌یابد که تنها امام علی(ع) خواهان نبرد با آن جنگجوست. در نهایت، با اذن پیامبر دو پهلوان با هم نبرد می‌کنند و پس از جنگی طولانی عمرو به دست امام علی(ع) کشته می‌شود.

در این میان، نکته بسیار درخور تأمل، ترسیم چهره‌های خشن و خشمگین از امام علی(ع) است. نظر به اینکه پیشوایان دینی ما هرگز آغازگر جنگ و خواهان آن نبوده‌اند، در این اشعار امام علی(ع) وقتی به عمرو می‌گوید که ریختن خون تو برای من از ملک روی زمین بهتر است، شخصی است که گویی تشنه انتقام و خون‌ریزی است. دویدند از کین دل سوی هم

اختصاص یافته است. در طول تاریخ و به موازات تحولات اجتماعی، سیاسی و تاریخی منظومه‌هایی خلق شده‌اند که ارزش ادبی آن‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت.

یکی از معروف‌ترین این منظومه‌ها «حملة حیدری» اثر باذل مشهدی است که «در بحر متقارب به توصیف وقایع صدر اسلام و خصوصاً دلوری‌های حضرت علی بن ابی طالب(ع) پرداخته است. این

در صلح بستند بر روی هم به کار گرفتن ترکیب «کین دل» به خوبی بیانگر خشم و عصبانیت هر دو طرف نبرد است که اگر آن را به امام علی (ع) نسبت دهیم، گویی نبرد برای خاموش کردن خشم و کینه شخصی ایشان صورت گرفته است. از طرفی، لحن قهرمانان در میدان نبرد بازتاب خلق و خوی و تداعی کننده اندیشه و افکار آن هاست و گویی کشته شدن هر یک از آن دو از نمونه مرگ‌های شهادت طلبانه نیست که قهرمان، آگاهانه آن را انتخاب کند و چراغی فرا راه آیندگان قرار دهد. تصویری که ابیات شعر از امام علی (ع) ارائه می‌دهد، با قهرمان حماسه نیز فاصله دارد. «قهرمان حماسه از خصوصیت‌های فوق طبیعی برخوردار است و دارای نیروی جسمانی و نیز درونی و معنوی فوق بشری می‌باشد» (رستگارفاسایی، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

چنین قهرمانی هرگز براساس هوای نفس و کینه‌های شخصی نمی‌جنگد و همواره برای باورها و اعتقاداتش اولویت قائل است. در صورتی که در این ابیات نه تنها تصویری فوق بشری از امام علی (ع) نمی‌بینیم بلکه صحنه حادثه نیز از جهان زمینی فراتر نمی‌رود: ز بس گرد از آن رزمگه برده‌مید تن هر دو شد از نظر ناپدید زره لخت‌لخت و قبا چاک چاک سر و روی مردان پر از گرد و خاک

(فارسی یازدهم: ۱۰۸)

شاعر حتی در انتخاب واژگان برای توصیف قهرمانان نیز بجا عمل نکرده است. برای بیان بزرگی یک شخص باید عناصر سازنده تصویر او بزرگ و با عظمت باشند تا این لحن تکریم آمیز به خواننده نیز منتقل شود. استفاده از عباراتی نظیر سپهر نبرد، آهنین کوه، ژنده فیل و ازدها است؛ حال آنکه در وصف امام علی (ع) از صفاتی که از وی جدایی ناپذیرند استفاده می‌کند. این واژگان هرگز نمی‌توانند بیانگر شجاعت و دل‌آوری‌های امام در میدان‌های نبرد باشند. مثلاً در بیت بیستم:

شجاع غضنفر، وصی نبی

نهنگ یم قدرت حق، علی

لغات «شجاع» و «جان‌نشین» برای وصف قهرمان میدان مناسب نیستند. لغات

«غضنفر» و «نهنگ» نیز بار معنایی حماسی ندارند. حتی بهتر بود این بیت حذف می‌شد؛ زیرا امروزه و در گفتار عوام لغت «غضنفر» بیشتر جنبه طنز دارد تا حماسی. دانش‌آموزان هم که با فضای مجازی رابطه‌شان گرم‌تر است تا با آثار حماسی مثل شاهنامه، ناخودآگاه با شنیدن این لغت لبخندی بر لبشان می‌نشیند و طنزهای مربوط به غضنفر در ذهنشان تداعی می‌شود و به قول معروف، «سرکنگبین صفرامی‌افزاید».

مسئله قابل تأمل دیگر در مورد این درس، مطرح کردن داستان «خداوند خدو انداختن خصم بر روی علی (ع)» در قلمرو فکری است. اگر این داستان به‌عنوان متن اصلی درس در نظر گرفته می‌شد، در پیچه جدیدی درباره حماسه به روی دانش‌آموزان گشوده می‌شد. مگر نه

### برای بیان بزرگی یک شخص باید عناصر سازنده تصویر او بزرگ و با عظمت باشند تا این لحن تکریم آمیز به خواننده نیز منتقل شود

این است که جهاد اکبر همان جهاد با نفس است و قهرمان واقعی کسی است که در برابر آن پیروز می‌شود؟ این شعر علاوه بر محتوای والا و جذابیت بیشتری نیز برخوردار است. قهرمان آن امام علی (ع) است و مولانا انسان کامل را در ضمن ترسیم شخصیت و رفتار ایشان به خوبی توصیف می‌کند. این انسان از خویشتن خویش تهی شده و خداست که در وجود او زندگی می‌کند و دستش، گوشش و زبانش می‌شود. «چون بگوید که با خدا یکی است، گفته‌اش موجه است؛ زیرا این او نیست که سخن می‌گوید بلکه خداست که به زبان او سخن می‌گوید.» (پورنامداریان، ۱۳۸۵: ۲۹۶). وقتی دشمن بی‌ادب آب دهان به صورت مبارک امام علی (ع) می‌اندازد، ایشان در لحظه

از بیکار با او دست می‌کشند و می‌فرمایند: شیر حقم نیستم شیر هوا فعل من بر دین من باشد گوا ما رمیت اذ رمیتم در حراب من چو تیغم و آن زنده آفتاب رخت خود را من ز ره برداشتم غیر حق را من عدم انگاشتم (مولانا، ص ۱۳۷۴: ۱۶۳) چنین انسانی چگونه می‌تواند پذیرای خشم و خشونت باشد؟ حال آنکه همه شرایط انتقام گرفتن از آن فرد نادان مهیا بوده است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مطالبی که گفته شد و ابیاتی که تجزیه و تحلیل گردید، انتخاب داستان مثنوی مولانا برای متن اصلی قطعاً تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت؛ زیرا علاوه بر ماجرای جالب آن، چهره واقعی پیشوایان دینی نیز در این شعر نمایان‌تر است. نکته بسیار مهم‌تر این است که دانش‌آموزان تاکنون تنها با حماسه‌هایی آشنا شده‌اند که دو قهرمان آن دو انسان‌اند که قصد کشتن یکدیگر را دارند؛ حال آنکه در این داستان با نوعی حماسه جدید مواجه می‌شوند که حول انسان کامل می‌چرخد. اگر در حماسه تلاش دائمی قهرمان جنگیدن با ضدقهرمان است، در عرفان نیز پیوسته روح و نفس در نبردند و جدال میان نیک‌سرشتی و دیوسیرتی قابل تأمل است. به این ترتیب، اساس تمام آثار حماسی (ملی، دینی، عرفانی و...) بر اصالت نقش قهرمان است. در همه آنان پهلوانانی هستند که با پا نهادن در راهی پر خون، می‌خواهند خط بطلان بر تمام دسیسه‌های نفس شیطانی بکشند.

### منابع

۱. پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۵). داستان پیامبران در کلیات شمس. ج اول. چ سوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. رستگارفاسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی. چ دوم. شیراز: نوید شیراز.
۳. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی. ج اول. چ اول. تهران: امیرکبیر.
۴. کاشفی‌خوانساری، سیدعلی. (۱۳۸۱). حیدرنامه. چ اول. تهران: موعود.
۵. محمدیان، بهرام و دیگران. (۱۳۹۶). فارسی (۲). چ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۶. مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۷۴). مثنوی معنوی. به کوشش رینولدالین نیکلسون. چ هفتم. تهران: بهاباد.